

اصفهانستان شعر کمال الدین خلاق المعانی

چکیده

در کتاب تاریخ ایران و جهان (۱) رشته ادبیات و علوم انسانی، کمال الدین اسماعیل اصفهانی «آفرینشگر معانی تازه» معرفی می‌شود.

در درس بیست و نهم، ادبیات فارسی (۳) رشته ادبیات و علوم انسانی، قصیده‌ای به نام «برف» با مطلع:

هرگز کسی نداد بدین سان نشان برف
گویی که لقمه‌ای است زمین در دهان برف

آمده است. در تاریخ ادبیات مختصر آغاز این درس گفته شده است: «خلق مضامین جدید، علاقه به التزامات دشوار و آوردن ردیف‌های مشکل، از ویژگی‌های شعر کمال الدین اصفهانی است.»

مقاله حاضر بر آن است که سه ویژگی شعر کمال را، که در عبارت بالا آمده است، با نگاهی دقیق‌تر و به گونه‌ای مستندتر بررسی کند.

کلیدواژه‌ها:

معنی آفرینی، مضامین بکر، تخیلات ظریف، باریک‌بینی، ردیف‌های مشکل، التزامات دشوار، کمال الدین اسماعیل.

مقدمه

کمال الدین اسماعیل اصفهانی (۵۶۸-۶۳۵ هـ.ق) در تاریخ شعر فارسی به خلاق المعانی شهره است.

این عنوان به گزاف به کمال الدین داده نشده است و خواننده شعر او با گشت و گذاری در بوستان شعر این شاعر و دریافت معانی باریک، توصیفات بدیع و مفاهیم تازه‌ای که او خلق کرده است، به این حقیقت اعتراف می‌کند که وی بیش از هر شاعر دیگری در آفرینش معانی و مضامین نو ابتکار و خلاقیت نشان داده است.

کمال الدین اسماعیل جزء شاعران سبک بینابین است و شعر او هم ویژگی‌های سبک خراسانی را در خود دارد و هم خصوصیات سبک عراقی را. با وجود این، تجزیه شدن تصاویر، باریک‌بینی، حس آمیزی، تخیلات ظریف، پیچیدگی مضمون و... وجوه تشابه شعر کمال با اشعار شاعران سبک هندی است. با توجه به مقدمه یاد شده، مهم‌ترین ویژگی شعر این شاعر بزرگ خلق مضامین جدید است. در این جا این ویژگی را به همراه دو ویژگی اساسی

محسن روحانی‌نیا
دبیر ادبیات و مدرس
مراکز پیام نور و
دانشگاه آزاد مشهد و
تربیت حیدریه

دیگر شعر او، یعنی علاقه به التزامات دشوار و آوردن ردیف‌های مشکل، به اختصار بررسی می‌کنیم.

علاقه به التزامات دشوار

کمال‌الدین اصفهانی برخی موارد را در شعر خویش التزام کرده است؛ دو مورد مشخص که قدرت شاعری او را نشان می‌دهد، یکبار در التزام واژه «نظر» در قصیده‌ای است با مطلع:

ای سرافراز که هر جای که صاحب‌نظریست

خاک پایت را از دیده و دل چاکر شد...

(دیوان: ۲۶۹)

واژه «نظر» در ۶۴ بیت در شبکه‌ای از ارتباطات وسیع کلامی در هم‌نشینی و جانشینی با اجزای دیگر کلام قرار می‌گیرد و در این میان، مضامین جدید آفریده می‌شود.

هم‌چنین در قصیده‌ای با مطلع:

ای که از هر سوی موی تو دلی اندرواست

یک سر موی تو را هر دو جهان نیم‌بهاست

دهنت یک سر موی است و به هنگام سخن

اثر موی شکافی تو در وی پیدااست...

(دیوان: ۲۸۰)

شاعر در ۹۳ بیت با التزام واژه «مو» دست به معنی‌آفرینی زده است:

موی شکافی- به موی بند بودن- موی در دماغ- موی در خواب دیدن- موی در چشم آمدن- موی بند بر پام- موی در میان گنجیدن- به موی آویخته است- مویی فرق ندارد- مو به کف دست آمدن- همه تن موی شدن چون پرچم- موی بر تن اژدها- موی از ماست کشیدن- زبان مو کردن و...

آوردن ردیف‌های مشکل

یکی از زمینه‌هایی که جنبه موسیقایی شعر را قوت می‌بخشد، ردیف است. در بررسی شعر کمال از این نظر، چند نکته درخور اهمیت است: اول این که آوردن ردیف‌های طولانی که یکی از مختصات سبک خراسانی است و در آثار شاعران معاصر کمال به‌ویژه در شعر خاقانی، انوری، سنایی... مشاهده می‌گردد، در دیوان کمال دیده نمی‌شود. دوم این که بیشترین ردیف‌ها از گروه ردیف‌های فعلی است و اغلب افعال ساده و اسنادی مورد توجه وی بوده‌اند. سوم این که ردیف‌های اسمی مورد استفاده کمال «از نظر نوع اسم‌هایی که در ردیف قرار داده کمی تازگی دارد». (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳: ۱۵۳)

محمدرضا شفیعی کدکنی، کمال و معاصران او را از این لحاظ با مولانا مقایسه می‌کند و می‌گوید: «مولانا ردیف‌های اسمی را بسیار کم به کار می‌برد؛ در صورتی که بیشترین تنوع جویی معاصران او در حوزه ردیف، تنوع در کاربرد ردیف‌های اسمی است و این ردیف‌های اسمی غالباً جامد و ایستایند؛ مانند: ردیف‌های گل، بنفشه، سرو که در شعر کمال اصفهانی و سیف‌الدین فرغانی و دیگر معاصران مولانا دیده می‌شود و

به علت فقدان فعل، حرکت و پویندگی ندارد و اگر بخواهیم روان‌شناسی این شاعران را مورد بحث قرار دهیم، از همین نکته می‌توان نتیجه گرفت که مولوی بیشتر اهل تجربه و رفتار و حرکت است، چه در ذهن و چه در عالم خارج و آنان بیشتر اهل تجزیه، انتزاع و سکون و ایستایی» (همان: ۴۱۳-۴۱۲)

از مجموع ۸۱۵ قطعه شعری که در قالب‌های مختلف در دیوان کمال وجود دارد، ۴۱۶ قطعه شعر دارای ردیف و ۳۹۹ قطعه دیگر بدون ردیف‌اند. این ردیف‌ها انواع گوناگونی دارند که به ترتیب کاربرد هر یک از آن‌ها در دیوان، به قرار زیر تقسیم‌بندی می‌شوند: ردیف‌های فعلی: ۳۰۷ قطعه شعر/ ردیف‌های اسمی: ۵۷ قطعه/ ردیف‌های ضمیری: ۲۵ قطعه/ ردیف‌های صفتی: ۱۸ حرفی: ۱۷ قیدی: ۱۶ وجه وصفی: ۵ و ردیف پرسشی ۱ قطعه شعر. * برای جلوگیری از طولانی شدن مقاله از ذکر ابیات خودداری می‌شود < رجوع شود به دیوان.

این کثرت اشعار مردف در دیوان کمال، نشان می‌دهد که وی به این جنبه از موسیقی شعر اهمیت می‌داده و آن را در استحکام و روانی سخن مؤثر می‌دانسته است.

یکی از مختصات بارز شعر اواخر دوره سبک خراسانی این است که شاعران در آوردن ردیف‌های مشکل تعدد داشته‌اند. این ویژگی در ردیف‌های اسمی کمال، کاملاً مشخص است. بویژه ردیف‌هایی که دو اسم در ترکیب با یکدیگر تشکیل می‌دهند؛ مانند: طوطی و هندوستان، زر و گوهر، گل و شکر... و نیز ردیف‌هایی مانند: برف، بنفشه، موش، بخل، انگور و... روشن است که سرودن قصیده‌ای در پنجاه یا صد بیت به گونه‌ای که این کلمات محور معنایی آن باشد و مضمون‌هایی مرتبط با این واژه‌ها آورده شود، کار چندان آسانی نیست و مستلزم قدرت طبع و قوه سخنوری است.

خلق مضامین جدید و تصاویر شاعرانه

اگر اصل لذت ادبی را بپذیریم، می‌دانیم که درجه ادبی بودن هر اثر ادبی متناسب با میزان لذتی که از آن اثر می‌بریم، تعیین می‌شود. دیدگاه نو و تصاویر بدیع و تازة کمال‌الدین تفوق شعری او را نمایان می‌سازد. لذت‌بخش‌ترین اشعار دیوان او شعرهایی هستند که در آن‌ها تخیلات ظریف و معانی باریک، مضامین نو آفریده‌اند.

در این جا برخی مضامین نو و تصاویر شعری کمال را با استناد به دیوان شعر او ذکر می‌کنیم.

ایجاد تصویر زیبا و شاعرانه:

وقت است که باز بلبل آشوب کند
فراش چمن ز باد جاروب کند
گل پیرهن دریده خون‌آلود
از دست رخ تو بر سر چوب کند

(دیوان: ۸۵۴)

تکرار مضمون و تصویرسازی:

دست تهی به زیر زرخندان کند ستون
واندر هوا همی شمرد پود و تار برف
در آرزوی روی تو دارم چو آینه
دایم ستون به زیر زرخ ز انتظار دوست
بسته جانی هزار بر فتراک
این زمان از شکار می آید

بلاغت طبیعی زبان و رقت در گفتار:

دشنام همی دهی مرا باش
من با دو لب تو کار دارم

روز من شب شود شب من روز
چو ببندی نقاب و بگشایی

دو سه روز دگر این زحمت ما می کش از آنک
ناگهان خبر آید که فلان هم بنماند

ابیات زیر برجستگی زبانی ندارند اما معانی آن‌ها بلند و عام است:

تو پنداری که در هر ذره خاک
رخ و چشم نگاری در کمین است
همی ریزد گل نو رسته در خاک
ازیرا ناله بلبل حزین است
گیاهی بردم سروی بریزد
چه شاید کرد رسم عالم این است

ابیات زیر یادآور سبک هندی هستند.
- (گام عمر):

حرکاتم چو گام عمر سبک
سخناتم چو باده نوشگوار

- (دل آرزو می رقصد):

آرزوها را در آید دل به رقص
چون زند کلک تو داستان حریر

- (رگ باران):

رگ باران حرکت می گیرد
نفس باد صبا می جنبد

چشم‌بندی خواب و خیال لعبت‌باز- دوربینی حرص- خوش‌دلی
تمنا- خشم آهن‌روی- صبر سنگین دل- شرم کم‌آزار- شرم
رنگ‌آمیز- حرص بوی‌شناس- یأس گوشه‌نشین- خودنمایی
فخر- به فسحت دل امید- فضل پای برهنه- علم جیب تهی-
دیگ چرب‌زبان- خنجر در کف مرگ...

- در پایان، مفرداتی را برگزیده‌ایم که در آن‌ها ظرافت معنی،
نازکی خیال، مضامین بدیع و تصاویر بکر و نو در نگرشی
ویژه به جهان پیرامون و محیط اطراف آفریده شده‌اند. دقت
در مضمون‌سازی شعر کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی تجربه
گران‌سنگی فراوی شاعران معاصر می‌نهد.

(دیوان: ۷۳۹)

(دیوان: ۷۳۹)

(دیوان: ۷۵۴)

(دیوان: ۲۲۸)

(دیوان: ۷۰۱)

(دیوان: ۷۶۸)

(دیوان: ۳۷۲)

(دیوان: ۲۸۶)

(دیوان: ۶۲۶)

(دیوان: ۳۴۸)

(دیوان: ۲۲۱)

(دیوان: ۷۸۳)

- آفتاب از جام لطفت جرعه‌ای خوردست از آن
بر در و دیوار می‌افند چو مستان خراب

- باغ اقبال تو را زین گلشن نیلوفری

چشم خورشید درخشان لایق فواره نیست

- اگر در چشم آبی جان آن هست

که اندر جویباران جای سرو است

- با رخ خوب تو در خانه من

اول شب به سحر می‌ماند

- بدان که تا بنشانند گرد راه وجود

به پشت مردمک دیده مشک آب کشند

- بویی از خلق تو بشنید گل رنگ‌آمیز

در سر غنچه ازین شرم کشیده است لحاف

- به کله چمن اندر به قرب یک هفته

عروس گشت و به شوهر رسید و بار گرفت

- خورشید اگر چه در جهان فرد بود

ز آمد شدنش دلی پر از درد بود

هم وقت بر آمدن دمس سرد بود

هم وقت فرو شدن رخس زرد بود

- شیر تر از زبونی بز بود پیش من

و اکنون اسیر حیلت روباه مادهام

- شراب در سر و چهره ز شرم رنگ‌آمیز

چنین میانه شرم و خمار می‌آمد

و بسیاری دیگر...

منابع

۱. اصفهانی، کمال‌الدین اسماعیل؛ دیوان، به اهتمام حسین بحرالعلومی، چ ۱، انتشارات دهخدا، ۱۳۴۸.
۲. شفیع کدکنی، محمدرضا؛ موسیقی شعر، چ ۳، انتشارات آگاه، ۱۳۷۳.
۳. ادبیات فارسی (۳)، سال سوم آموزش متوسطه، چ ۸، رشته ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۸۵.
۴. تاریخ ادبیات ایران و جهان (۱)، سال دوم آموزش متوسطه، رشته ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۸۵.